

«نظری به کتابهای فارسی دبیرستانی»

انتقاداتی را که در هنگام تدریس کتابهای فارسی بنظر رسیده به اجمال از نظر خوانندگان عزیز یغما می‌گذرانند، باشد که اولیاء محترم سازمان کتابهای درسی بویژه کتابهای فارسی دبیرستانی بموقع تجدید چاپ کتابهای مزبور نکاتی را که در کمال حسن نیت و صرفاً بجهت خیرخواهی نگاشته میشود از نظر دور ندارند تا بتدریج از نابسامانیهای کتابهای درسی دبیرستانی ماکاسته شود و کتابهایی درخور و شایسته زمان فراهم گردد.

الف - نکات کلی :

۱- همچنان که هر کاری را باید به کاردان ارجاع کرد تدوین و تنظیم کتابهای درسی را نیز باید به افرادی سپرد که سالها با طبقه‌ای که کتابهای مزبور برای آنها نوشته می‌شود، محشور و معاشر بوده‌اند. به عقیده من داشتن معلومات کافی برای انجام این منظور و رسیدن بدین هدف مطلوب اگر لازم باشد بیقین بسنده نیست. ادبا و صاحب نظران عالی قدری که - با همه مایه علمی و ادبی - حتی يك بار هم قدم به کلاسهای دبیرستان یا دبستان نگذاشته‌اند، چگونه می‌توانند با فاصله زمانی و عدم تجانس روحی و تفاوت سنی با نسل جوان روحیه کودکان ۶ تا ۱۲ ساله یا نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ ساله را درک کنند و آن چنان دست پخت ادبی، در مطبخ ذوق و دانش خود آماده سازند که با ذائقه جوانان امروز سازگار باشد. بخصوص که برخی از این دست پختها با همکاری چند خوالیگر زبردست فراهم آمده که گاه بس شور و زمانی بس بی‌نمک بوده است !!

بنابراین باید برای تهیه کتابهای دبیرستانی در درجه اول از معلمان و استادانی استفاده کرد یا حداقل نظر خواست که سالها در دبیرستانها به تدریس ادبیات فارسی سرگرم بوده‌اند و با روحیات نوجوانان آشنائی کامل دارند.

دبیرانی که برای تهیه کتابهای مزبور تعیین میشوند میتوانند با نظر اساتید ذیفن و کارشناس کتابهای فارسی را با توجه به سن و سال نوجوانان و نیازمندیهای آنان ورشته‌ای که مورد نظر هر دسته از دانش آموزان در محدوده برنامه وزارتی خواهد بود تهیه کنند سپس از بین چند کتاب، تألیفی که مناسبتر است برگزیده و برای تدریس در اختیار نوجوانان گذاشته شود.

۲- کتابهای فارسی دبیرستانی باید مبتنی بر میزان لغات و اطلاعات ادبی باشد که

دانش آموزان در سالهای قبل آموخته‌اند. کتابهای فارسی که هم اکنون در دبیرستانها تدریس میشود نه از جهت کمیت و نه از لحاظ کیفیت با یکدیگر تناسبی ندارد - چنانکه کتاب فارسی اول دبیرستان به تنهایی از لحاظ کمیت تقریباً برابر است با کتابهای فارسی دوم و سوم دبیرستان .

از لحاظ تدرج مطالب و پایه‌گذاری معلومات ادبی دانش آموزان نیز کمترین دقتی در کتابهای مزبور نشده است تا بتدریج دانش آموزان از مطالب ساده‌تر ادبی به سوی مطالب دشوارتر پیشروی کنند و غنچه‌های استعداد آنها کم‌کم شکفته شود. وقتی دانش آموزان مطالب ادبی را متناسب با ذوق و استعداد خود یافتند شوق و ذوقی خاص در آنها ایجاد میشود و پایا به هدف عالی‌تر نزدیک می‌شوند اما اگر این تدرج رعایت نشود بسا که در موقع خواندن مطلب یا مطالبی ثقیل بکلی از تکاپو باز مانند و دلسرد و مأیوس شوند .

۳- در کتابهای فارسی دبیرستانی متناسبانه تسلسل و نظم منطقی رعایت نشده است . کتابهای فارسی دبیرستانی ما هم اکنون - به کشکول و زنبیلی می‌ماند که در آن از هر مناعی می‌توان نمونه‌ها یافت جز آن مطالبی که دانش آموز به حقیقت طالب آنست ؛ نمی‌گویم آنچه در آن است بد است یا نادرست است هر چه باشد نظم و منطق و ترتیب برای هر امری بویژه برای مطالب کتب درسی از اهم مطالب است. اگر منظور از تهیه کتابهای فارسی این است که دانش آموزان به ادوار مختلف ادبی آشنا شوند ، باید دوره به دوره با نظم خاص در کتابهای فارسی مطرح نظر و بحث قرار گیرد تا ابتدا - فی‌المثل - دانش آموز با نمونه‌های نثر قدیم یا جدید آشنا شود و بتدریج از دورهای به دوره دیگر برسد . اما اکنون وضع چنین نیست دانش آموز دبیرستانی ما از سال اول دبیرستان ابتدا از نثر قرن چهارم هجری شروع میکند و در صفحه بعد به قرن هفتم هجری می‌رسد ، سپس با جهشی برق آسا بر قلّه نثر فارسی در دوره قاجار می‌پرد و باز یکباره به دره هولناک نثر مصنوع قرن ششم و هفتم درمی‌افتد !!

کتاب اول دبیرستان را ملاحظه کنید : قطعه اول آن از کتاب ارزنده (الابنیه عن - حقایق الادویه) است ، قطعات بعد بترتیب از شاهنامه - سفرنامه ناصر خسرو - گلستان سعدی گرفته شده است .

کتاب پنجم ادبی را بردارید و ملاحظه کنید : قطعه اول از نوشته‌های خواجه عبدالله انصاری است (البته بدون ذکر مأخذ) و قطعه دوم - ترکیب بند معروف (جمال الدین عبدالرزاق) است در وصف پیامبر اسلام (ص) بالنسبه دشوار و پراز تلمیحات و اشارات ادبی مذهبی و داستانی و تاریخی - قطعه سوم از (سیر الملوك) یا (سیاستنامه خواجه نظام الملک) است که به غلط در بالای آن نوشته شده است (از نصیحة الملوك) و چند سال است به همین صورت تجدید چاپ میشود . (۱) قطعه چهارم از قصاید مرحوم بهار است با مطلع :

برخیزم و زندگی ز سر گیرم
وین زنج دل از میانه بر گیرم

۱- مراجعه شود به (سیر الملوك) (هیوبرت دارک) بنگاه ترجمه و نشر کتاب ص ۵۳

بیقیمن وقتی قطعات مورد مطالعه دانش آموزان این مایه نا هماهنگ و از جهت سبک نگارش و میزان لغات و نکات ادبی متفاوت و پراکنده باشد، دانش آموز هرگز نخواهد توانست از مجموع مطالعات پراکنده خود نظمی منطقی در ذهنش بوجود آورد و با دوره و سبکی خاص آشنا شود، و شیوای خاص در نویسنده‌گی پیدا کند.

در روش مکتبی و مدرسی سابق که هنوز در مدارس قدیم معمول است دانشجو کتاب سیوطی یا مطول یا مغنی‌اللبيب یا جامی بدست می‌گرفت و تا از آن فراغ پیدا نمی‌کرد مجاز نبود به کتاب دیگر دست برد. متجددین و صاحب نظران تعلیم و تربیت برین سبک ایراد گرفتند که باید در برنامه دانشجو تنوع باشد اما نه چنان تنوعی که در روز شش درس متفاوت بخواند و در یکساعت بنام قرائت فارسی از قرن ششم به قرن دهم هجری ببرد و یکباره از قرن دهم به قرن چهارم رجعت نماید! این همه تفنن و تنوع اگر از جهتی خوب است از جهات زیاد زیان بخش خواهد بود. این نحو مطالعات پراکنده ادبی نه عمق نظری به طالب علم میدهد و نه عقیده ثابت و راسخی دریک امر. بلکه بلبلی باری می‌آید که هر دم برشاخه‌ای می‌نشیند و پروانه‌ای که بهر وزش نسیمی سیر خود را تغییر می‌دهد! بنابراین باید در کتابهای فارسی ابتداء چند تن از شاعران و نویسندگان برجسته معاصر یا متأخر را با ترجمه احوال و ترتیب سالهای زندگی معرفی کرد و از هر کدام قطعات نثر و شعری متناسب با درک و فهم ادبی دانش آموز و متناسب با نیازمندیهایی که دانش آموزان در آینده خواهند داشت در کتاب فارسی نقل کرد، و سپس بتدریج از قرن چهاردهم هجری به قرن سیزدهم و سپس به دوره‌های بازگشت ادبی و زنده‌ی و صفویه و بهمین ترتیب از قرن یازدهم هجری به دهم و نهم پیشروی کرد و نمونه‌های عالی هر دوره را با امان نظر کامل در وضع ادبی و تاریخی هر زمان و مشخصات اجمالی نثر و نظم هر دوره به اختصار بحث کرد. و دنباله مطلب را در سالهای دوم و سوم و چهارم و پنجم دبیرستان با نظم منطقی تعقیب کرد. البته در سالهای چهارم و پنجم و ششم ادبی به تفصیل بیشتر و در سالهای چهارم و پنجم و ششم ریاضی و طبیعی متناسب با نیازهای روحی و معنوی دانش آموزان و معلومی که مورد بحث آنها می‌باشد، گاه از متون علمی سابق متنهای آموزنده و دقیقی در کتاب آورد که دانش آموزان را با افکار علمی دانشمندان ایرانی مانند: ابوریحان بیرونی - ابوعلی سینا - زکریای رازی - خیام و دیگران آشنا سازد و آنها را از ذخائر علمی و معنوی کشور کهنسال ما با خبر کنند.

هم اکنون کتابهای ادبی ما در این دوره‌ها (رشته‌های طبیعی و ریاضی) بنوعی تنظیم شده است که فقط دانش آموز را با تاریخ تولد و وفات دانشمندان هم چون ابوریحان آشنا می‌سازد و با نام چند اثر از آثار مهمش - دانش آموز ما دوره دبیرستان را پشت سر می‌گذارد ولی از افکار ابوریحان و ابوعلی سینا و خیام و اهمیت آثار علمی‌شان سخت بی‌خبر است! چقدر جای تأسف فراوان است که ما این چنین اطفالمان را در بی‌خبری از وضع خود نگه می‌داریم ولی از سوی دیگر موجبات را اجتماع طوری فراهم میکند که دانش آموزان بجای آشنایی با چهره‌های حقیقی تاریخ درخشان کشور خود به اندازه قد و

هیكل و كمر وسینه فلان رقاصه یا ستاره سینما بدقیقتترین صورتی آشنائی پیدا می‌کند و بجای اشماد و قطعات دلنشین ادبی ذهن و حافظه خود را اذانواع تصنیفهای مبتذل بازاری انباشته می‌سازد!

اعتقاد اینجانب براین است باید دوره‌های ادبی را به تناسب کلاسهای مختلف تقسیم کرد و حتی الامکان این تقسیم‌بندی طوری باشد که ابتدا دانش‌آموزان را با نثر و نظم مانوس معاصر آشنا کند و بتدریج - آنها را درسالهای آخر تحصیل در دبیرستان به دقایق و ظرافت ادبی گفته آشنا سازد - تا کم کم بر اثر آشنائی با معنی حقیقی آثار ادبی ذهنی شکفته و بارور یابند و با آثار ادبی متناسب با زمان آشنائی پیدا کنند - چه بسا که اگر ادبیات بمعنی واقعی با نظمی منطقی در دبیرستانها تدریس شود - نتایجی بسیار زیادتر از حال نصیب کشورمان شود - نتایجی که آثار آن در همه جنبه‌های دیگر زندگی ما بمعنی واقعی پدیدار گردد.

تدوین کنندگان کتابهای ادبی برای دبیرستانها می‌توانند از کتابهایی نظیر: گنج‌سخن - بهشت سخن - ادب فارسی - سیر سخن - هزار سال نثر فارسی - نثرهای دلایز و منتخب نظم و نثر فارسی و آثار دیگری ازین قبیل که در سالهای اخیر فراهم شده است و هر کدام نظم و ترتیبی خاص دارد بهره‌مند شوند.

۴- بهتر است کتابهای فارسی در رشته‌های طبیعی و ریاضی که برای هر دو رشته مشترک می‌باشد از هم جدا شود - زیرا دانش‌آموزی که در آینده فی‌المثل زمین‌شناس یا گیاه‌شناس خواهد شد بهتر است از سالهای چهارم و پنجم و بخصوص ششم طبیعی با کتابهای علمی طبی قدیم و قطعاتی متناسب با زمینه فکری خویش آشنا شود و دانش‌آموزی که رشته ریاضی را انتخاب کرده است با قطعات علمی قدیم و جدیدی آشنا شود که ذوق علمی و ریاضی را در او برانگیزد و او را با متن‌های متناسب با زمینه‌های انفعالی خاصش آشنا کند - کتابهایی اخیراً در باب تاریخ علم در جهان نگاشته شده و به زبان فارسی برخی از آنها با نثر زیبا و قابل پسندی ترجمه شده است چه خوب است از این قطعات و مطالب در کتابهای رشته ریاضی گنج‌انده شود و شرح حال نوابغ علمی و ریاضی کشور ما و برخی از بزرگان جهان در کتابهای فارسی نقل شود - حتماً ازین جهت می‌توانیم قطعات علمی بسیار خوبی در کتابهای فارسی نقل کنیم و ازین بابت تاکنون سخت قصور یا تمصیر شده است. (۱)

۴- جا دارد حتی کتابهایی که برای مؤسسات دخترانه تهیه می‌شود از کتابهایی که برای نوجوانان تهیه می‌شود جدا باشد زیرا گاه در ضمن تدریس دبیر ادبیات به قطعاتی برمی‌خورد که در کلاسهای دوشیزگان از جهت اخلاقی و تربیتی تناسبی با وضع کلاس ندارد و دبیر ناچار است یا از آنها صرف نظر کند و یا به محظورات و موانعی دچار شود که نتیجه‌های بسیار بدی به بار می‌آورد. فی‌المثل در کتاب ششم رشته طبیعی و ریاضی که برای دختران و پسران کشور نگاشته شده است داستان معروف سیاوش با نکات و اشاراتی که دارد

۱- نمونه‌های خوبی از این قبیل مقالات علمی در کتاب (ادب فارسی) تألیف دکتر خبره زاده چاپ طهران آمده است که بسیار منظم و پسندیده است.

برای تدریس در کلاسهای دوشیزگان چندان تناسبی ندارد از جمله :

به آن بیشه رفتند هر دو سوار
به بیشه یکی خو برخ یافتند
دل پهلوانان بدو نرم گشت
شه نوزدی گفت من یافتم
میانشان همی داوری شد دراز
که این را بر شاه ایران برید
و اما کاوس شاه :

چو کاوس روی کنیزک بدید
گوزن است اگر آهوی دلبر است
سرانجام :

بت اندر شستان فرستاد شاه
پس از نه ماه تمام :

جدا گشت از کودک کی چون پری
در همین داستان دلربایهای سودابه از سیاوش و داشتن عشق اهریمنی نسبت به وی
همه از نکاتی است که در کلاس دختران نمی توان بیان کرد یا به اجمال گذشت .
در قطعاتی که از بوستان سعدی شیخ اجل نیز در کتاب مزبور آورده شده است اشعاری
است که با وضع کلاسهای دوشیزگان تناسبی ندارد مانند :

خرابت کند شاهد خانه کن
نشاید هوس باختن با گلی
چو خود را به هر مجلسی شمع کرد
زن خوب خوشخوی آراسنه
در او دم چو غنچه دمی از وفا
که از خنده افتد چو گل در قفا !!

آنچه نقل افتاد شمه ای از بسیار و مشتکی از خروار بود که در کتابهای درسی کلاسهای
پسران و دختران دیده می شود .

۶- برخی قطعات اصولاً با روحیه نوجوانان سازگار نیست می‌المثل : قطعاتی که در
ابتدای کتاب فارسی ششم طبیعی و ریاضی از کلیله و دمنه انتخاب شده است از ابتدا تا انتها
ناظر به ترك دنیا و زهد و کناره گیری از امور دنیوی است . در حقیقت این مطلب که دنیا
جای قرار و دوام نیست و نباید به نفس دنیا دل بست و مفتون آن شد حرفی نیست - این
نکته ایست که همه اولیاء و اوصیای حق توصیه کرده اند و تنها دنیا را کشتزار آخرت
دانسته اند و دار امتحان و ابتلاء - ولی برای نوجوانی که تازه به روی زندگی لیخندمی زنده
و هزارویک امید و آرزو در دل دارد ابتدا ترك دنیا بدانها آموختن و موضوع را به اجمال
بر گذار کردن جز تردید و تشمت عقیده نتیجه دیگر بیار نمی آورد مگر آنکه موضوع را
از جهات مختلف مورد بحث قرار دهند و جهات مثبت و منفی آنرا روشن کنند . اتفاقاً در

کتابهای فارسی از این قبیل مطالب بسیار زیاد است که می‌توان آنها را بصورتی تعدیل کرد .

ب - نکات جزئی :

۱- قطعاتی که از متون ادبی در کتابهای فارسی دبیرستانی نقل شده است گاه به غلط به متن دیگری غیر از آنچه هست نسبت داده شده است چنانکه در کتاب فارسی پنجم ادبی قطعه‌ای آمده است تحت عنوان « رسم و آئین ملوک عجم » و در بالای آن نوشته شده است (از نصیحة الملوك غزالی) و حال آنکه این قطعه از کتاب مزبور نیست بلکه از کتاب سیرالملوك (بسیاستنامه خواجه نظام الملک) است که عیناً آنرا در صفحه ۵۳ کتاب (سیرالملوك) که به اهتمام (هیوبرت دارک) تصحیح و چاپ شده است می‌توان یافت .

۲- قطعاتی که در کتابهای فارسی دبیرستانی نقل شده است از متن‌های تصحیح شده و معتبر نیست چنانکه در صفحه ۳۱ کتاب فارسی پنجم ادبی قطعه‌ای که از ترجمه « تاریخ‌یمینی » بدست داده شده است با متن انتقادی آن که به تصحیح آقای دکتر جعفر شمارجزو و انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب چاپ شده است تفاوت‌های زیادی دارد . و نیز آنچه در صفحه ۱۸۰ کتاب پنجم ادبی تحت عنوان (در آئین کاتب و شرط کاتبی) نقل شده است و از قابوسنامه عنصرالمعالی است از ابتدا با آنچه در نسخه مصحح استاد دانشمند آقای دکتر غلامحسین یوسفی از انتشارات و بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، نشر شده و بهترین نسخه‌ای است که از قابوسنامه در دست داریم تفاوت زیادی دارد (۱) و نیز قطعاتی که از کلیله و دمنه بهرامشاهی انتخاب شده است با نسخه مصحح و منقح استاد مجتبی مینوی تفاوت‌های فاحشی دارد (۲) . علاوه بر اینکه بین متون منتخب و متون اصلی مصحح اختلافات فراوانی دیده می‌شود در ذیل متنهای منتخب اشاره به منابعی که آن قطعات از آنها گرفته شده است نشده و این عدم توجه به متون اصلی و عدم آشنائی با مصحح کتاب و چاپ انتقادی آنها نقصی است در کار کتابهای دبیرستانی و بی‌اعتنائی به کار پر ارج مصححان متون .

۳- مشکل دیگری که در کتابهای درسی ما وجود دارد مسأله اختلاف در رسم الخط کتابهای درسی می‌باشد درحالی که باید کتابهای درسی از هر جهت ملاک و مقیاس املاء و انشاء دانش‌آموزان باشد . چون موارد اختلاف در کتابهای درسی فراوان است ما بذکر دو سه مورد بسنده می‌کنیم و قضاوت را درین باب به خوانندگان عزیز وامی‌گذاریم :

الف - لنت (آزار) ماه ششم از ماههای رومی در کتاب چهارم طبیعی و ریاضی با (زاء) نوشته شده (صفحه ۱۰۶) ، اما همین لنت در صفحه ۵۲ کتاب فارسی سوم دبیرستان به صورت (آزار) آمده است .

ب - کلمه (مصلی) در کتاب چهارم ادبی در صفحه (۳۰) به صورت (مصلا) آمده و

۱- ر.ک : به صفحه ۱۸۰ کتاب فارسی پنجم ادبی و نیز صفحه ۲۰۷ قابوسنامه از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب . ۲- من‌باب نمونه مراجعه فرمائید به صفحه ۵۴ کتاب فارسی سال ششم طبیعی و ریاضی و ابتدای باب برزویه طبیب از کلیله و دمنه بهرامشاهی به تصحیح استاد محترم مجتبی مینوی طهرانی .

در همان کتاب در صفحه (۷۲) مجدداً همین لغت به صورت (مصلی) آمده است در صورتی که موقع و مقام کلمه در جمله یکسان است .

ج - در توجیه و معنی کردن لغات نیز اختلافات فاحشی به چشم می‌خورد چنانکه مثلاً در صفحه (۴۰) کتاب فارسی سوم دبیرستان کلمه (فش) را (موی جلوی پیشانی اسب) معنی کرده‌اند در صورتی که همین لغت در صفحه ۱۰۵ کتاب فارسی پنجم ادبی بدین صورت توجیه شده است (فش = یال و دم اسب و دنباله و دنب هر چیزی) .

لغت (زفتی) در صفحه ۴۰ کتاب فارسی سال سوم دبیرستان (ستیزه‌جویی و خشونت) معنی شده در صورتی که در صفحه ۲۰۵ فارسی پنجم ادبی (ناکسی و فرومایگی و حمو) توجیه شده است . البته با توجه به اینکه يك لغت ممکن است معانی بسیار زیادی داشته باشد باید سعی شود در حاشیه معادل لغات طوری بدست داده شود که مشکل گشای کار معلم و شاگرد باشد نه آنکه مشکلی بر مشکلات موجود بیفزاید . و یا آنکه اصلاً از دادن معنی خودداری شود تا معلم و دانش‌آموز خود عادت بیافتن معانی و پژوهش لغات کنند .

د - مشکل دیگری اتصال و انفصال کلمات است که مع التأسف در کتابهای درسی چندان رعایت نمی‌شود . البته نا هنگامی که مشکل املاء در زبان فارسی حل نشود و ضوابط دقیقی بدست داده نشود همین نابسامانی در کار کتابهای درسی نیز وجود خواهد داشت و عده‌ای فی‌المثل کلمه (کومک) را با (واد) و عده‌ای آنرا بدون (واد) خواهند نوشت . و نیز اتصال و انفصال در کلمات مرکب که خود مبحثی علی‌حده و مفصل است و جای بحث آنها از حوصله این مقال خارج می‌باشد - خود داستانی جداگانه دارد .

باپوزش از خوانندگان عزیز مجلهٔ یغما امیدوار است با حسن نیتی که در اولیاء محترم کتابهای درسی کشور دیده می‌شود بتدریج از معایب کتابهای موجود کاسته شود و بر محاسن آنها افزوده گردد و یا بهتر آنکه بجای کتابهای فارسی که در دبیرستانها تدریس می‌شود کتابهای بهتری تألیف گردد که نه تنها ذوق دانش‌آموزان را پرورش دهد بلکه موجبات تشویق و علاقه‌مندی هر چه بیشتر آنها را نسبت به ادبیات فارسی - این میراث گرانقدر نیاکان - فراهم کند . به امید آن روز . پایان

مجله یغما - استاد محترم احمد احمدی به نکاتی توجه فرموده‌اند که رعایت آنها بسیار بجاست ، اما تصور نمی‌رود کسی گوش بدهد .

